

خبرها

شیخ بهایی بعد از ماه رمضان پخش می‌شود

مجموعه تلویزیونی «شیخ بهایی» به کارگردانی شهرام اسدی بعد از پایان ماه مبارک رمضان از شبکه اول سیما روی آنتن می‌رود. کارگردان مجموعه «شیخ بهایی» یا همان «آشیاانه سیمغ» در این باره به خبرنگار مهر گفت: «مجید انتظامی و بهنام خاکسار به ترتیب نیمی از کار ساخت موسیقی و جلوه‌های ویژه مجموعه را به پایان رسانده‌اند. طبق مذاکراتی که انجام شده قرار است این مجموعه بعد از پایان ماه رمضان از شبکه اول سیما پخش شود. « شهرام اسدی در ادامه افزود: «اخیراً نگارش فیلمنامه «کی برای آخرین بار سرت را روی تنت داشتی» را به پایان رسانده و قصد دارم کارگردانی این فیلم سینمایی را هم خودم انجام دهم. برای تهیه آن هم مذاکراتی انجام شده، ولی چون هنوز هیچ چیز قطعی نیست، ترجیح می‌دهم حرفی نزدم. مضمون این فیلم عشق زمینی و عشق آسمانی است. «

تئاتر ع در سیما

تهیه‌کننده «تئاتر ۴» گفت: ۱۰ تله‌تئاتر برای پخش از این برنامه آماده و مراحل فنی آن پشت سر گذاشته شده‌است و با پایان ضبط مباحث کارشناسی این آثار، اکنون در تدارک انجام مصاحبه درباره آنها هستیم. شهرام زرگر در گفت‌وگو با خبرنگار سرویس تلویزیون خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، افزود: مباحث کارشناسی سه قسمت از برنامه، سال گذشته تهیه و تحویل آرشبو شد و ۷ قسمت دیگر، آخرین مراحل آماده‌سازی فنی را پشت سر می‌گذارد. به گفته وی، اکنون خلاصه تله‌تارهایی چون «در پوست شیر»، «ابازرس وارد می‌شود»، «خانه عروسک»، «سوء تفاهم»، «پول» و «همه پسران من»، «قصیه رابرت اوپنهایمر»، «جان گابریل بورگسمن» و «دشمن مردم» آماده پخش است. این تهیه‌کننده درباره بحث‌های کارشناسی «تئاتر ۴» اظهار کرد: مجری-کارشناس برنامه، محمودرضا رحیمی مدرس تئاتر دانشگاه آزاد است که در هر قسمت «تئاتر ۴» با دو کارشناس گفت‌وگو می‌کند که در برخی از قسمت‌ها کارگردانی تله‌تئاتر مورد بررسی است. زرگر از پروفیسور احمد کامیابی، حسین فرخی، دکتر قادری، مهرداد رایانی مخصوص، کیومرث مرادی، حسن ملکی، ناصر کامکاری، آرش دادگر، همایون علی‌آبادی، سعید اسدی و منصور ابراهیمی، رضا سرور و شهره رستمانی به عنوان کارشناسان برنامه نام برد. وی هدف از ساخت «تئاتر ۴» را مروری بر تله‌تئاترهای پخش شده از صدا و سیما، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ذکر کرد. تهیه‌کننده «تئاتر ۴» درباره چگونگی پخش این تله‌تاترها اظهار کرد: مدت زمان هر قسمت از برنامه، ۱۸۰ دقیقه‌است که نیمی از آن به پخش تله‌تئاتر نیمی دیگر به بررسی آن اختصاص دارد. زرگر در پایان «تئاتر ۴» را پس از «سینما چهار» و «سینما و ماوراء» از طولانی‌ترین برنامه‌های شبکه چهار دانست.

روزی که خواهیم مرد در دست تدوین



فارس: سربال «روزی که خواهیم مرد» به کارگردانی «محمدرضا اعلامی» و تهیه‌کنندگی «سیدامیر سینزاده» برای شبکه تهران هم‌اکنون در حال تدوین است. سربال تلویزیونی «روزی که خواهیم مرد» تاکنون در ۴۸ لوکشین تهران انجام گرفته و نیز نگارش ۱۵ قسمت از این پروژه به اتمام رسیده‌است که در کنار آنها مراحل تدوین، صداگذاری، ساخت موسیقی و تیتراژ آن به طور همزمان در موسسه فرهنگی-هنری بط در حال انجام است. در این مجموعه تلویزیونی که با مضمون اجتماعی‌ساخته می‌شود، بازیگرانی چون «دانیال حکیمی»، «حسن پورشیرازی»، «فقیهه سلطانی»، «جواد رضویان»، «رضا فیض‌نوروزی»، «ابوبکر میرزایی»، «لیلا بلوکات»، آتش تقی‌پور»، «پهینه کیمیایی»، «حسین خانی‌یک»، «مهرداد ضیایی»، «علی صالحی» و... به ایفای نقش می‌پردازند.

«آمینبیس»



مهر: فیلم تلویزیونی «آمینبیس» به کارگردانی مهران برومند در سیمافیلم تولید شده و به‌زودی از یکی از شبکه‌های تلویزیون پخش می‌شود. داستان فیلم تلویزیونی «آمینبیس» از جایی شروع می‌شود که پسری به نام آرش لوحی را پیدا می‌کند که مربوط به آمینبیس دختر هوشنشره آخرین پادشاه ماد است. لوح حاوی مطالب تاریخی تعیین‌کننده‌ای است، به همین دلیل خواهان بسیاری در ایران و خارج پیدا می‌کند. رضا رویگری در نقش پازرگان بزرگ‌سال هپودی انگلیسی‌الاصل به طمع لوح به ایران می‌آید و در برخورد با لاله اسکندری بازیگر نقش آمینبیس یک‌بار دیگر تاریخ را زنده می‌کند. آنچه در لوح آمینبیس تنظیم شده، قدمت ایران را به پیش از هخامنشیان نسبت می‌دهد و این ماجرا که از پس رازهای سال‌ها سر برآورده و پیدادهایی را در داستان رقم می‌زند. «آمینبیس» نخستین ساخته مهران برومند است که کار خود را در سینما و تلویزیون با دستپازی کارگردان شروع کرد. وقایع فیلم هم در لوکشین‌هایی رخ می‌دهد که مجید میرفخرایی آن را در منطقه خجیر در شمال شرقی تهران طراحی کرد. تهیه‌کنندگی این فیلم بر عهده محسن حقیقت‌جو است و آرش عاضبی، محسن زهتاب و ناصر آشوری دیگر بازیگران «آمینبیس» هستند.

آن روزها که ایده نگارش و ساخت مجموعه‌ای به

نام «شهریار آخرین سلطان عشق» درباره «طبيب» شاعر

نوازنده چیره‌دست و عارف کهنسال ایرانی «محمدحسین شهریار» در ذهن سیاستگزاران رسانه ملی نضج می گرفت ، کمتر کسی از ایشان گمان می کرد روزی برسد که کارگردان آن اثر در روزهای پایانی که دیگر از دست هیچ کس کاری ساخته نیست اعلام کند «امیدوار است فیلمش آذری زبان‌ها را صاحب حس خاصی بکند . »!

این اعتراف کارگردان سربال شهریار که پیشاپیش «تصور می‌کند متخصصان شعر و شاعری به فیلم ایرادهایی بگیرند و از زاویه خاص خود شخصیت‌ها را مطالعه کنند»! – در صورتی که معنای جمله را نفهمیده باشم– ترجمه پنهان این حقیقت تاسف‌بار است که ادیبان ، شاعران و به احتمال قوی دست‌اندرکاران ادبیات و تاریخ ادبیات نیز نیاستی منتظر تماشای اثری درخور توجه درباره «ترک پارسی گوی» معاصر بمانند و نهایتاً با توجه به شواهد و قراین و شنیده‌ها می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که: «این‌بار هم نشد! و یک پروژه ملی به‌رغم هیابانگ

نخستین – از جمله اعلام ساخت اثری بزرگ به نام «شهریار» در کنفرانس سران کشورهای اسلامی توسط رئیس وقت سازمان – و صرف میلیون‌ها تومان پول پا در مسیر متوسط و دون متوسط گذاشت و به آخر رسید . »

■ ■ ■

همه ما می‌دانیم که آقای کمال تبریزی می‌تواند و باید بتواند به مدد تجربیات گذشته‌اش داستانی را در سیزده یا بیست و شش قسمت درباره نوجوان تبریزی روایت کند که در چهارده سالگی به سودای طبابت به تهران پس از کودتا آمد . عاشق شد . در تبعید به یادآور ، دچار انقلابی عظیم در روح و روان گشته ، در میانسالی اوج گرفت و خانه‌اش مسقط‌الراس شعرا و ادیبان و هنرمندان و دانشمندان بزرگ ایرانی از هدایت و نیما تا صبا و سایه و شترودی و . . . بود و سرانجامش شکستن بت‌های پنج‌گانه موسیقی و شعر و . . . و قدم گذاشتن به جاده عرفان و نهایت مرگ در غربتی عجیب . . . که‌آن زندگی چنین مرگی را شایسته بود و تمام .

آقای تبریزی می‌تواند و باید می‌توانست لاقل به خاطر شهریار که قسمت اعظم عمر و جوانی‌اش را در تهران سپری کرد و پیش از آمدنش به تهران فارسی را به شیرینی ، ترکی و عربی و فرانسه حرف می‌زده ، در رهگذر روایت قصه شهریار به تنه‌ا آذری‌زبان‌ها که فارس‌ها را هم صاحب آن حس خاص مورد نظر بکند . این حداقل انتظار از یک پروژه ملی آن‌هم درباره یک شاعر است که اهل قلم ، اعم از شاعر و ادیب و متخصصین ادبیات را به طور نسبی راضی نگه دارد .

شهریار در اوج قحطی ارتباط رسانه‌ای و در کوران «توطئه سکوتی» که دربارهاش به اجرا گذاشته بودند به گفته خودش به مدد «بی‌سیم نسیم» توانسته بود با آثار درخشانی چون نبرد «استالینگراد» ، «نامه به اینشتین» ، «ملاقات استاد» ، «حیدر بابایه سلام» ، «حالا چرا؟» و «علی ای همای رحمت» تا اندازه‌های یک شاعر ملی و جهانی خود را بالا کشیده و معروف خاص و عام کند ، همان‌طور که توانسته بود یک «کتل خاکی» گمنام را به شهرت «اورست» برساند و حالا پس از آن همه سال

این اوج کج سلیقگی و ناتوانی است که اثری درباره چنین مردی قابل عرضه به مخاطبان او در سراسر سرزمین‌های ترکی و فارسی اعم از افغان و تاجیک و پاکستانی و هندی و ترکیه و آذربایجان این سو و آن سوی درس (همه مخاطبان اشعار شهریار در اقصای عالم نبوده و همه حد یک سربال متوسط ایرانی تنزل رتبه یافته و تنها قادر به ایجاد «حس خاصی در آذری‌زبان‌ها» بشود .

دست‌اندرکاران رسانه ملی پیش از ساختن هر پروژه

بزرگ دیگری نخست باید دلایل تنزل این آرزوها و چشم‌اندازها را – به مدد تحقیق و پژوهش بدون اغراض– بفهمند . دلایل پیدا و پنهان ، پشت پرده و روشن ، تنگ‌نظر‌ها ، رفیق‌بازی‌ها و دادوستدها عامل عدم حصول به مقصودند .

هم ما ، هم آنها و هم تمام مردمی که – خواسته و ناخواسته – همراهه در قبض مصرفی خود مبالغه به رسانه ملی می‌دهند بایستی بدانند چرا سرمایه‌هایشان به تعبیر رویابهایشان بدست نمی‌کند . دیدن فیلم‌ها و سربال‌های بزرگ درباره بزرگ ایرانی آرزوی مردم ایران است .

نگارنده ضمن آنکه متواضعانه می‌پذیرم متهم به پیش‌داوری عجولانه و احتمالاً غیرمنصفانه درباره اثری هستیم که هنوز به تماشا گذاشته نشده‌است ، می‌گویم اکنون که کار به اتمام رسیده‌با تشریح بخشی از نامالایماتی که در طول همکاری با این پروژه عذاب آور متحمل شده‌ام ذهن خواننده محترم و برخی دوستان و حقیقت‌جویان اهل پیگیری و پرسش را که اغلب از نتیجه فیلم‌ها شهریار می‌پرسند روشن نموده و تنها یک دلیل کوچک از مجموعه دلایل این سقوط را واکاوی کنم و در پایان پاسخی هم به اظهارات آقای کمال تبریزی در شوق سوم مرداد ارائه نمایم . من به عنوان نخستین نویسنده فیلمنامه «شهریار» زمانی این کار

سخت را آغاز کردم که کمی پیشتر آقای محرم زینال‌زاده

با چند صفحه نوشته قصد داشت مسئولین محترم

سیمافیلم را مجاب کند در یک فیلم نود دقیقه‌ای ،

«حیدربابا»– منظومه مجذاب ، بی‌بدیل و جاودانه محرم

شهریار – را به فیلم تبدیل کند .

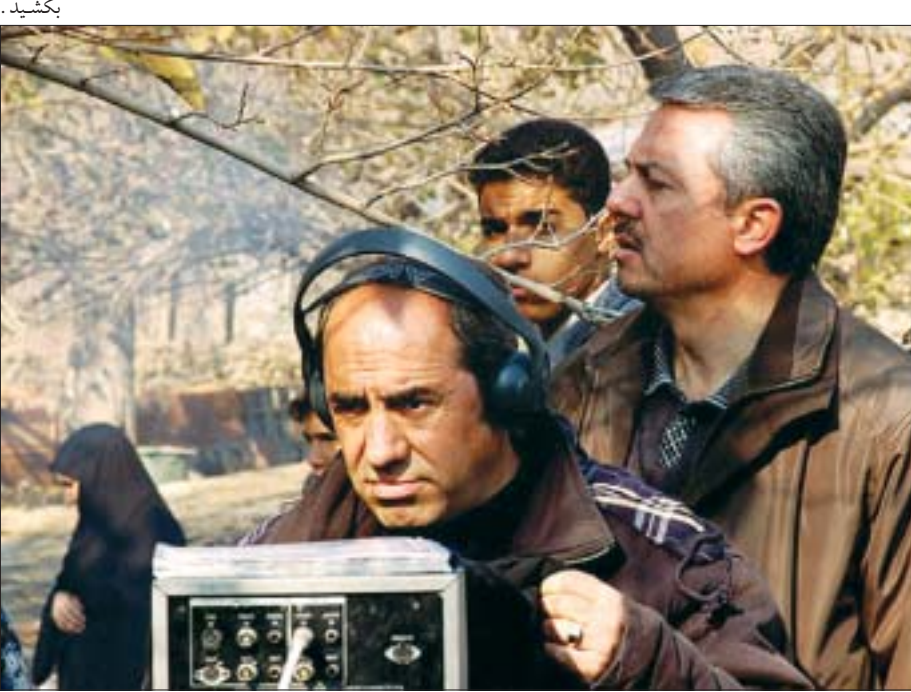
مسئولین سیمافیلم به تبع سیاستگزاران اصلی رسانه

تاریخچه

«عرض حالی به عموم، نه مدعی العموم» در حاشیه سربال «شهریار»

دلایل پیدا و پنهان

علیرضا نادری*



شروع کار بود ، بازیگرانش را لیست کرده و با برخی‌شان مذاکرات اولیه هم کرده بود . مکان‌های فیلمبرداری را معلوم کرده و سراسیمه آغاز بود . برندن و آوردند و او در طول این همه وقت حتی یک‌بار از هیچ‌کس چیزی جز آنچه فکرش را می‌کرد نشنید . حتی یک بار تردید هم نکردند و گوشه‌ای از آنچه می‌خواستند عملی کنند با او در میان نگذاشتند .

چند نفر از مردان شریفی که هم‌زمان با زینال‌زاده در طبقات دیگر ساختمان با آنها در حال مذاکره بوده‌اند حاضرند شهادت بدهند که چه‌ها شنیده‌اند و آنها در پاسخ به آن پیشنهاد داد ، چه گفته‌اند؟!

پس از چند ماه روزی زینال‌زاده گفت گزینیه بعدی‌شان آقای کمال تبریزی است گفتیم تردید نکن! ایشان هم نمی‌پذیرد .

من نه آقای کمال تبریزی را می‌شناختم و نه هنوز می‌شناسم فیلم‌هایشان را کما بیش دیده‌ام و براساس فیلم‌هایشان به زینال گفتیم: تردید نکن ، نمی‌توانند متقاعدش کنند .

ولی شد آنچه حتی خیالش هم نشدنی بود . من نمی‌دانم چطور شد؟ چرا شد و چگونه شد؟ و اصولاً از طرح این تاریخچه مقصودی دیگر دارم که منحصر به بررسی دلایل پذیرش آقای تبریزی نیست . که البته این انتخاب و پذیرش از سوی ایشان بسیار بحث‌انگیز و محل مناقشه بود ، هست و خواهد بود .

آنچه از این پس به طور مختصر به آن می‌پردازم به طور خلاصه برخوردی است که در درجه اول با فیلمنامه می‌شود و پس از آن با فیلمنامه نویس اتفاق افتاده است . اتفاقی که پس از ماجرای کارگردانی درباره فیلمنامه به وقوع پیوست ، چیزی است که تا ابداً آن را فراموش نخواهم کرد . اینکه چرا فیلمنامه فراهم آمده از آن همه زحمت و حرارت یکسره نادیده انگاشته

شد ، موضوعی است که به گمان من تجزیه و تحلیل آن ، سطح و نوع مسایات موجود در سازمان‌ها و تاسیسات فرهنگی‌ما را مشخص و معلوم می‌کند و هم‌زمان ادعاهای مردان موثر در فرهنگ و هنر این سرزمین را با چالشی جدی مواجه می‌سازد . شرح ماجرا را بشنوید ، بامن هم عقیده خواهد شد .

هم‌زمان با سپردن پروژه شهریار به آقای کمال تبریزی اعلام نگارش فیلمنامه‌ای دیگر با عنوان «شهریار» به

دست «آقای مهدی سجاده‌چی» خبری بوده که من نخست آن را باور نکردم . طی تماسی با نویسنده محترم مطمئن شدم که خبر صحت دارد و حالا فیلمنامه من فدای خواسته‌ای مبهم شده و به عنوان فیلمنامه‌ای که «خواسته‌دست‌اندرکاران را تأمین نمی‌کند» و البته بدون اعلام رسمی فیلمنامه و فیلمنامه‌نویس یکجا کنار گذاشته شده‌اند .

اینکه فیلمنامه‌ای آن‌گونه که شرح آن رفت با پژوهش و تحقیق فراوان و تأیید مشاوران متعدد با نام و بی‌نام سیمافیلم و نیز داوری عده‌ای از کارشناسان و شهریارشناسان نتوانسته نظر مسئولین و دست‌اندرکاران و احتمالاً کارگردان محترم را جلب کند تا آنجا که آن را کنار گذاشته‌اند ، خود به خود این پرسش را پیش می‌آورد که نویسنده جدید باید چگونه و طی چه مدت و با صرف چه مقدار انرژی و توان ، موفق به جلب نظر دست‌اندرکاران بشود . و آیا اصولاً این کار چقدر ضروری و شدنی است؟ زمانی که چنین پرسشی را به نویسنده جدید- آقای سجاده‌چی– مطرح کردم پاسخی شنیدم که چون «تعبیرخواب پای خواب رفته» برابرم سخت و دشوار آمده و متحیر شدم . ایشان گفتند که من فیلمنامه را «نوشته‌ام و هم اکنون مشغول بازنویسی آن هستم» حقیقتاً حیرت کردم! مگر چند وقت است؟ چه زمان دست به کار شده‌اید؟ سه چهار ماه! طی سه چهار ماه که نمی‌شود این قدر پیش رفته باشید ، آخر چطور ممکن است؟ می‌دانستم ممکن نیست . در این مدت کم حتی یک‌بار هم نمی‌شود «دیوان شهریار» را

واکاوی کنید و از دل آن داستان زندگی صاحبش را بیرون بکشید . رفته به وادی شک و تردید . . . اینها چطور توانسته‌اند آن همه کار را در این مدت کوتاه انجام بدهند؟

گفتم آقا! جسارناً! پخته‌خواری که نکرده‌اید؟ نکنند از آن همه رنج و عذاب ما برای خودتان گنج درست کرده باشید!

نکنند فیلمنامه مرا دستمایه فیلمنامه محال است .

دیگری کرده‌اید ، نکند . . . پاسخ این بود ، «من نوشته شما را حتی ورق هم نزنده‌ام چه رسد به آنکه خواننده باشم . »

نمی‌دانم این چه مایه فخر و مباهات بود که هم نویسنده و هم کارگردان محترم به دفعات بر این نکته پافشاری داشتند «که ما فیلمنامه شهریار را نخوابیده‌ام» . آقای زینال‌زاده نقل می‌کند در جلسه چاره‌جویی در سیمافیلم در حضور تهیه‌کننده و دیگران از آقای تبریزی پرسیدم فیلمنامه نادری را خوانده‌اید؟ گفتند ، نخیر! گفتیم خب بخوانید ، چرا نمی‌خوانید؟ اگر خواندید و خوشتان نیامد من همه حرف‌های خودم را پس می‌گیرم . . . از خودم می‌پرسم: آیا حقیقتاً نخوانده بودند؟ یا خوانده بودند و انکار می‌کردند؟ و اساساً چرا؟ مگر من چه نوشته بودم که نخوانده مردود بود؟ و آیا آنها می‌توانستند مسیر رفته شده توسط ما را دوباره و در چنین زمان کوتاهی بروند؟ محال است .

نویسنده محترم آقای مهدی سجاده‌چی برای اثبات ادعای خود مبنی بر اینکه هیچ استفاده‌ای از فیلمنامه نخستین نکرده ، چند قسمت اولیه فیلمنامه خودشان را برای من ارسال کرده و اتفاقاً من آن را به دقت خواندم و بی‌هیچ پرده‌پوشی و ظاهرسازی‌ای تاسف‌خودم را به مسئولین سیمافیلم ابراز کردم . حتی به یکی دو نفر از آقایان مشاورین که حالا مدیرانی بودند زنگ زده و قضیه را گفتم ، از آنها هم کاری ساخته نبود ، هیچ‌کس نتوانست یا نخواست حتی برای یک لحظه به همه فرمان یک درنگ کوتاه بدهد و بپرسد دارید چه می‌کنید؟ و چون کسی چیزی نگفت و نپرسید ، فیلمنامه ساخته شد و هم‌اکنون تصاویر ضبط‌شده در استودیو در حال تدوین است و فیلم به زودی پخش خواهد شد . «بدا» به حال ما که شکست خوردیم و خوشا به حال آنها که موفق شدند!

اکنون که کار به پایان رسیده اخباری گفته و شنیده می‌شود که حرف و حدیث‌های تازه‌ای است کارگردان محترم شهریار در مصاحبه‌ای تحت عنوان «تبریزی نگران شهریار» در شرق شماره ۸۱۷ تاریخ سه مرداد نکته ظریفی درباره فیلمنامه گفته‌اند که گمان می‌کنم ماجرای طولیل‌المدت ما و سیمافیلم را وارد فاز جدیدی کرد .

ایشان در پاسخ به پرسشی درباره فیلمنامه این‌طور گفته‌اند:

«فیلمنامه در ابتدا و در مرحله نگارش دچار اشکالات عدیده‌ای بود که هنگام مطالعه حیرت کردم . ولی پس از کار فراوان و ایجاد تغییرات بنیادین در آن ، فیلمنامه برای ساخت مورد استفاده قرار گرفت . »

متأسفانه من نفهمیدم مقصود ایشان از «فیلمنامه» کدام نوشته است؟ اگر فیلمنامه جایگزین را می‌گویند که آقای «سجاده‌چی» نوشند و ایشان حیرت کردند و بعد بازنویسی و دچار تغییرات بنیادین گشت که خب طبیعی است پیشتر هم عرض کردم در چنان فرصت کم ، همت به کاری بعید گماشتن از خورمندی به دور بود . اما من بر این گمانم که مقصود آقای تبریزی این فیلمنامه نیست چون نمی‌شود در مرحله نگارش قصه‌ای باشی و بعد موافق نویسنده دچار حیرت بشوی!

و اما اگر مقصود آقای تبریزی از «فیلمنامه» نوشته نخستین و به قلم من است– که آرزو می‌کنم این‌طور نباشد– آن ناقت ماجرای جدیدی که پیشتر عرض کردم درست شده‌است که هرگز مباد زیرا:

اولاً: ایشان در مرحله نگارش فیلمنامه– سال‌ها پیش– حتی خیال ساختن این سربال را هم در سر نداشتند این مرحله سال‌ها پیش بوده است .

دوماً: ایشان و نویسنده محترم به دفعات حتی در مقابل اصرار بر خواندن فیلمنامه استنکاف ورزیده و با پافشاری غیرقابل درکی از خواندن آن سرباز زدند .

سوماً: اگر ایشان فیلمنامه را خوانده و به ضرر دلیلی اعلام و ابراز آن را در مصلحت ندانسته‌اند ، اصولاً نه «حق» نه «اجازه» و نه «صلاحیت» ایجاد تغییرات اعم از سطحی و بنیادین «در فیلمنامه دیگری» را داشته‌اند . آقایان «نامبرده‌شان و منزلی اجل از چنین احتمالی دارند اما از آنجا که من در طول این پروژه به دفعات شاهد و ناظر انواع «اجور» و «جفاهایی» غیرقابل توجیه بوده‌ام جسارناً بر فرض چنان و چنان احتمالات درباره فیلمنامه مجبور به اعلام نظر شده‌ام و اصولاً پس از مدتی که پیگیری‌هایم هیچ ثمری نداشت همه چیز را چون خاطره‌ای تلخ در گوشه ذهن و قلبم بایگانی کردم . ولی حرف‌های آقای تبریزی و متعاقب آن پرسش و پیگیری برخی دوستان و یاران و اهل خانه که «این دیگر چه راه‌هایی است؟» وادارم کرد به نوشتن این عرض حال!

در پایان برای نخستین بار در زندگی امیدوارم من اشتباه کرده باشم و آقایان همان‌طور که پیشتر مدعی شده‌اند حتی سطری و کلمه‌ای و بهوره‌ای از «فیلمنامه» نخوانند کنار گذاشته شده من» در فیلمی به نام شهریار که به زودی پخش خواهد شد استفاده نکرده باشند . به خاک با سر ناخن نوشته‌اند ما را

***نویسنده نخستین فیلمنامه شهریار**

سال سوم ■ شماره ۸۳۷ *شرق*

گپ

با سعید نبی تهیه‌کننده مستند تحقیقات آبریان

نه ماه نفس‌گیر

مهربانو ابدی‌دوست

تهیه‌کننده مستند تحقیقات آبریان در گفت‌وگو با شرق گفت: از نظر تجهیزات زیر آب در حد بسیار ضعیفی حمایت می‌شویم .

مستند «تحقیقات آبریان» با پایان قسمت تصویربرداری «سوئیتیریا» و هیدرولوژی و هیدروبیولوژی وارد فاز ششم تولید خود شد .

سعید نبی تهیه‌کننده مجموعه مستند «تحقیقات آبریان» گفت: از نظر تجهیزات زیر آب در حد بسیار ضعیفی حمایت می‌شویم به طوری که شایسته برنامه‌ای با این حد وسعت از نظر موضوعی ، مترپالی و جغرافیایی نیست .

سعید نبی گفت: «اسراف در استفاده از بهترین تجهیزات و حرفه‌ای‌ترین عوامل با ارقام واقعی و تأمین هزینه‌های زیاد و لازم در پروژه نیست بلکه اسراف در ساخت برنامه‌ای است بدون تأمین تجهیزات لازم، امکانات مورد نیاز و واجب برنامه، چرا که در این شرایط حق برنامه تصنیع شده و حق مطلب در برنامه ارائه نمی‌گردد و این در امر برنامه‌سازی بسیار ناپسند است . وی درباره تولید بخش «سوئیتیریا» گفت: تصویربرداری این قسمت به پایان رسیده است .

تهیه‌کننده برنامه فوق‌الطهار کرد: جنگ عراق با ایران موجب بروز بحران‌هایی شد و برخی از مردم به دریا و منابع آن به عنوان بهترین راه امرار معاش روآورده‌ند و نتیجه قایق‌ها، لنج‌ها و ترالره‌ای صنعتی به طور بی‌رویه‌ای به چرخه دریا وارد شدند، که این امر موجب اختلال در چرخه زندگی ماهی‌ها شد و حتی در مقاطعی تراکم آنها در واحد سطح، بسیار کاهش یافت .

نبی افزود: برای مطالعه درباره آبریان در پروژه تحقیقاتی بعد رسوب شناسی، داخل مبحث هیدرولوژی و هیدروبیولوژی آب و بعد آسیب شناسی و تراکم ماهی در مبحث «سوئیتیریا» تعریف شد . وی در ادامه گفت: تحقیقات مبحث «سوئیتیریا» در دهه قبل آغاز شد ولی در سال ۷۶ به مدیریت واحد و کانکسوم رسید .

کارگردان برنامه «سوئیتیریا» اضافه کرد: براساس این پروژه، روی نقشه دریای عمان و خلیج فارس «ترانسکت»‌ها و ایستگاه‌هایی در نظر گرفته شده‌است و در هر فصل گفت‌های مختلفی با کشتی کلاس «فردوس» با تور ترال کف، برای تحقیق روی «CPUA» صورت گرفته و پس از انجام پژوهش‌های لازم در طول سال‌های مختلف، شناخت کافی از تعداد و گونه ماهی‌های مختلف به دست آمد که نتیجه این مطالعات به صیادان، اطلاعات کافی درباره مکان‌های مناسب و شیوه صحیح انجام صید و برداشت آبریان اقتصادی می‌دهد و اعمال روش‌های درست صید، در طول زمان، موجب بازتولید آبریان و حفظ ذخایر و چرخه طبیعی دریا می‌شود و این مسئله، تأثیر مستقیم



بر زندگی روزمره مردم منطقه و تمام صیادان دارد . کارگردان این مستند افزود: از نظر علمی– تحقیقاتی ثابت شده‌است که ماهیان غیراقتصادی را می‌توان در کارخانه‌های صنعتی مربوط به ماهیان و آبریان استفاده کرد . ولی به علت فرهنگ‌سازی نشدن و بی‌اطلاعی صیادان و شرکت‌های صنعتی صید، پس از صید، این گونه آبریان دوباره به دریا ریخته می‌شوند که این مسئله اکوسیستم محیطی دریا را فلج و نابود می‌کند . بنابراین در این قسمت سعی می‌کنیم با بیان مزیت‌های ماهیان غیراقتصادی در زمینه استفاده اقتصادی و صنعتی در کارخانه‌های تولید پودر ماهی و . . . فرهنگ سازی کنیم .

تهیه‌کننده و کارگردان این مستند افزود: در این برنامه تمام سعی خود را کردیم تا به آداب و رسوم قوم بلوچ بومی سواحل دریای عمان بپردازیم، این دریا را معرفی کنیم و آنچه که مردم سیستان و بلوچستان از دریا طلب می‌کنند را به تصویر بکشیم .

همچنین وی خاطرنشان کرد: فیلم مستند هیدرولوژی و هیدروبیولوژی به کارگردانی محمدجعفر باقری‌نیا در خلیج فارس به منظور بررسی وضعیت زیست محیطی و بزرگی‌های اکولوژیکی و همچنین تعیین وضعیت آلودگی محدوده آب‌های ایران از تنگه هرمز تا دهانه خورموسی که برای اولین بار در این محدوده دریایی و با بهره‌گیری از شناورهای تحقیقاتی و تجهیزات مدرن اقیانوس‌نگاری و روش‌های استاندارد آزمایشگاهی انجام می‌شود به طوری که نتایج آن مورد تأیید گروه کارشناسان و متخصصان علوم دریایی سازمان ملل (UNCC) قرار گرفته‌است، با پایان تصویربرداری وارد مرحله مونتاژ شد . تهیه‌کننده تحقیقات آبریان در پایان از مرجان علیزاده‌نیا به عنوان نویسنده سناریوی «سوئیتیریا» و رضا تقوی ، امین راد و سزیکار به عنوان تصویرپردازان دو «سوئیتیریا» و «هیدرولوژی و هیدروبیولوژی» یاد کرد . لازم به ذکر است مجموعه تحقیقات آبریان در ۶ قسمت ۲۵ دقیقه‌ای با همکاری «اموسسه تحقیقات شیلات ایران» در گروه مستند شبکه ۴ سیما تولید و پخش خواهد شد . وی در پایان بیان کرد: در حال حاضر حسن نقاشی مراحل آخر تدوین کار منظر دریایی و میگزوی وانامی را انجام می‌دهد .